

اینگلیسیان

۱۳۲۵ ۱۹۰۶

(۱۶)



مهره سینه وطن واقف در رشت را که از پول ملت نباشد هر دارنده سوزیغ بی نماید



صافی آما محسن فروده که کینفر ایشمارا برده کلام (قم)

بنام خداوند
 بی زبان و بی فکر
 بی علم و بی ادب
 بی شرف و بی کرامت
 بی ایمان و بی تقوا
 بی حیا و بی عفت
 بی شکر و بی انصاف
 بی عدل و بی سواد
 بی شجاعت و بی شرم
 بی خرد و بی تدبیر
 بی اراده و بی استقامت
 بی حوصله و بی حیا
 بی شرف و بی کرامت
 بی ایمان و بی تقوا
 بی حیا و بی عفت
 بی شکر و بی انصاف
 بی عدل و بی سواد
 بی شجاعت و بی شرم
 بی خرد و بی تدبیر
 بی اراده و بی استقامت
 بی حوصله و بی حیا



شیراز خان طبرستان



بی زبان و بی فکر
 بی علم و بی ادب
 بی شرف و بی کرامت
 بی ایمان و بی تقوا
 بی حیا و بی عفت
 بی شکر و بی انصاف
 بی عدل و بی سواد
 بی شجاعت و بی شرم
 بی خرد و بی تدبیر
 بی اراده و بی استقامت
 بی حوصله و بی حیا
 بی شرف و بی کرامت
 بی ایمان و بی تقوا
 بی حیا و بی عفت
 بی شکر و بی انصاف
 بی عدل و بی سواد
 بی شجاعت و بی شرم
 بی خرد و بی تدبیر
 بی اراده و بی استقامت
 بی حوصله و بی حیا



شیراز خان طبرستان



بی زبان و بی فکر
 بی علم و بی ادب
 بی شرف و بی کرامت
 بی ایمان و بی تقوا
 بی حیا و بی عفت
 بی شکر و بی انصاف
 بی عدل و بی سواد
 بی شجاعت و بی شرم
 بی خرد و بی تدبیر
 بی اراده و بی استقامت
 بی حوصله و بی حیا
 بی شرف و بی کرامت
 بی ایمان و بی تقوا
 بی حیا و بی عفت
 بی شکر و بی انصاف
 بی عدل و بی سواد
 بی شجاعت و بی شرم
 بی خرد و بی تدبیر
 بی اراده و بی استقامت
 بی حوصله و بی حیا

(وارد و یاد و نام دیدم سخته یوز قویار مر ض)

(ایندی بجا اولای ملاعمو من دین اولدی الماسادی)

(باخدلا چون انا بکون دفعته انفصالته)

(تار مدوشوبله بریا را شخصلر ون خیالنه)

(جملهسی اتحاد ایدوب دشمنیون زوالنه)

(ایندی بجه ولدی ملاعمو من دین اولدی اولمادی)

(انجمن اهلنون دیدون ذرجه یوخدی همی)

(ایندی بجه اولدی آنلاونون و انقدر حمیتی)

(برجه نظر مجاهدی وردی یو طویل شهرتی)

(ایندی بجه اولدی ملاعمو من دین اولدی اولمادی)

(ایلر دوق مشاهده ایشلر ون اقتضائنه)

(حاضر دوق که گلشک مملکتون عن استنه)

(محمد خدای توب دل عاقبت او ز جزا سنه)

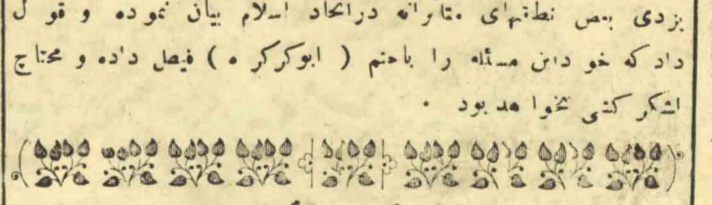
(ایندی بجه اولدی ملاعمو من دین اولدی اولمادی)



بجهت امنیت حدود مراغه و بیاب (در بار) تا سفات قلبی خود را مجلس شورای ملی اظهار داشته و ضمناً بیان نموده که در این زودی بهر نحو که ممکن گردد در آن حدود اسباب اغتشاش را فراهم خواهد آورد . (ایضاً)

اشب در ساعت پنج از دسته افتاح رسم بانک ملی بعمل آمده و شروع بهمدات شد ولی در ساعت هفت از اجزاء دولت کسی آنجا حاضر نشد مالا ملک التجار که تا وقت صبح منتظر بوده و در حالت یأس مراجعت نموده بانک را هم بستند . (ایضاً)

امروز در انجمن افال کبر (ن) های وهوی غربی بود قریب چهل هزار آنچه کدر آنجا ساخنو مستند دوطالب شده و می خواستند که جله باروویه برده و عمل سرحدرا یک طرفی به نایب حاجی سعید محمد بزدی بیس نطقهای متاثرانه در اتحاد اسلام بیان نموده و قول داد که خود دین مسئله را با حتم (ابو کرکرم) قبیل داده و محتاج لشکر کشی نخواهد بود .



شایعانی که در عدو مقتولین «خوی» در افواه مردم افتاده قبایل السلطنه تکدیب می نماید و میگوید که من در این جنگ آخر زباده از هزار نفر بقتل رسانیده ام زیرا که من نمی توانستم از دستور العمل خود تجاوز کنم .

(طهران §)

مدارسیکه بعد از فوت امین السلطان بجهت عدم مخارج تعطیل کرده اند بیست و سه باب و عددی شاکر دانش بهمنزارو بانصد بالغ است از قراریکه می گویند جمعی از رجال کاشان این خدمت را بعهده گرفته و بیادکاری آنرا حوم کفیل مخارج شده و در مکتبها شروع بدرس خواهند کرد .

(د اسلام قبول ه)

با یسالی از پرنس امیر نومان میرزا رضا خان ارفع الدوله سفیر کبیر ایلی مخصوص نمایندگی لاهی و دانش رساله خواهش نمود که دولت عثمانی قشون خود را از سرحد برداشته و زیاده از این باعث اختلاف اتحاد مسالین نگردد سفیر مزبور جواب داد که باید در این خصوص در طهران با دربار استوال جواب نموده و تکلیف دو اتین معین گردد .

(طهران §)

امروز وزیر داخله با تقی وزیر امور و مسئول و اجزاء کابینه با هیأت مخصوص بنجلس دار لتورای ملی آمده و معرفی شدند و هم در آنجا متفقاً قسمهای مؤکده خوردند که من بعد احسب از ایشان در راه ملت بجز خیانت و دروغ بجز دیگر اقدام ننمایند .

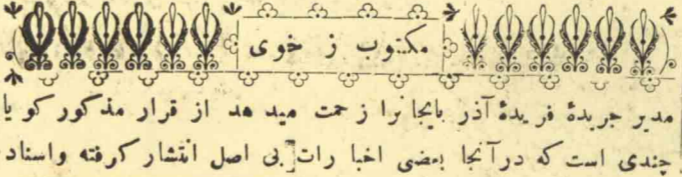
(واضاً)

بجهت اتفاقات خوی و ماکو و رفع اختلاف سرحدات امروز بحکم دولت بازارها آیین بسته و قرار شد که از امشب تا هفت شب دیگر ملت جرافان کرده و شب ختم هم از جانب حکومت آتشازی مهمی بعمل خواهد آمد . (ایضاً)

بجت بعضی مصالح عمومی دولت حکم نموده که از این تاریخ وزارت معارف بطور ابدی در کلیه ایران متروک بوده و ضمناً قرار داد که محل مواجب و مقرری وسورسات بدون استثناء حبه بطور عدل و مساوات بفال کیران و جنداران ایران تقسیم شده و فرمان صادر کرد .

(ایضاً §)

میرزا رحیم جندار تبریزی شب گذشته بدون مقدمه خواب دیده که عمل اختلاف سرحدات بکلی اصلاح شده و از طرف دولت هم باسم زده کافی باو یک توب قباوی شسه مرصع و یک پارچه نمده بیضی الشکل مرصحت نموده اند فلذا امروز این اخبارات در افواه مردم جاری بوده و عموم مکت خوشدل و دطاکو بودند .



مکتوب ز خوی: مدیر جریده فریده آذربایجان را زحمت میدهد از قرار مذکور که با چندی است که در آنجا بعضی اخبار را از اصل انتشار گرفته و استناد

(اخبارات متفرقه §)

بچند روز بود که شاکیان عموم مدارس طهران در مجالس و محافل بعضی نطقهای مؤثر خوانده و ملت را در اعانه و حمایت باقی ماندگان شهدای خوی که در راه مشروطیت و بقای ایران فوج فوج از جان شیرین خود شان کف نمده نجر یسر و تر غیب می نمودند نتیجه این شد که در روز قبل در دولت سرای آقا میرزا میرزا میرزا آقایی لقمان الممالک مجلس های اعانه تشکیل شده و جماعتی از هوا جوانان عالم مشروطیت در آن مجالس حضور رسانده و هر کدام با طیب نفس خود مبلغی در اعانه آن مصیبت زدهگان تقدیم مجلس نموده اند از قرا ریکه مذاکره نمودند هم در آن مجلس همه نقاط ایران تلگرافاً خبر دادند و از سایر شهرها هم سواش جمع آوری اعانه بجهت این فلک زدهگان نمودند خداوند عالم ریش ما ملت را از دست این چنین اشخاصی وطن دوست نراند آمین

(دشت)

خبر نکار محترم مای نو یسد که بخدمت الله شهر کمال امنیت را دارد حتی سه روز قبل از طریف حکومت جمله دستور العمل های متکداً صادر شده که نیم ساعت بعد از ظهر شبور کشیده و گرمه شهر بحرکت آیند خو بست که مترددش را اسم شب میدهد و الا بجهت مردم اسباب مصلحتی از کار می شد و بجهت ورود ماه رمضان هم حکم شده که آب حمام ها را عوض نمایند

(اعلان)

کلاه های حصیر مال ژپون که تا کردن کذا رنده آمده و بهیچ وجه صورت اش از دور و نزدیک شناخته نمیشود باسوت مخصوص او در مغازه ما حاضر است عموم مستبدین را زحمت میدهد که هر کس مراحت نماید کمال احترام بزیاری خواهد شد (آدرس طهران خانه ملک التجار)

(اخطار §)

چنانچه سابقاً در خصوص وجه آبنونه (آذربایجان) و کلاه محترم اصراً مسبقاً نموده و اعلان هم داده بودیم که باید وجه آبنونه را سه ماهه در سه ماهه با دازه برداشت نمایند که ما هم میتوانیم خدمت بنوع و عالم مطبوعات بنامین حال مجدداً اعلان می نماید بانجا سبکه سه ماهه اول را با دازه برداشت نکرده اند ابدأ روز نامه فرستاده نخواهد شد و اشخاصیکه دائماً خواستار روز نامه باشند آدرس خود را با دازه اطلاع بدهند (آذربایجان)

قتل وغارت و خسارت بزرگی با قبایل السلطنه داده و آن خبر خواه دولت وقت؟؟؟ را به بعضی حرکات قبیل از قبیل توب بستن و اشکر کشیدن و آتش زدن وغارت کردن و وو متهم نمودند این است که واجب دیده و من باب رفع شبهه مختصری عرض می نمایم تا بداکر صلاح باشد در گوشه جریده فریده درج نمایند که تا عوام الناس را رفع شبهه شود بی خود برده ناموس بچهره کان بدرند اینکه گفته می گویند که اقبال السلطنه دوهزار نفر را سر بریده این مسئله بکلی خلاف است و دروغ مکر اقبالی السلطنه میر غضب بوده است که در یک روز سر دوهزار نفر بیچاره را به بردنهای اهل خوی را مدتی بود که با مشار ایله مختصر کردی داشته و رفع این منازعه هم بدون سفاک دماغ مسالین باسلطنه جناب اقبال السلطنه موافق نمی افتاد این بود که چندروز قبل یک مناقشه خیل مختصری در میان او و کسان اهل خوی بسط آمده و یا الله از خوشبختی مقصد نفی در میان رخت بسزای ابدی کشیده و منتهای یک سبب نفی هم زخدار شدتند اگر کسی باور زد خود آمده و من قول میدهم که غیر مرده کان و شخصی زخداران را بدون ک زیاد تحویل بد هم این مسئله قتل بود که بدون هیچ قسم زیادی عرض شد حال بروم سر غارت این مسئله اصلاً دروغ است بکات ایله اقبالی السلطنه شخصاً مخوی نیامده بود که غارت نماید نهایت کسانش که خود جنای یسالی بهتر از من میداند قدری شلتاقی کرده عمداً بود یاسه او را خدای دادند بچندین دهات نزدیک بشهر هجوم برده و کسویا یک چهارصد هزار نومان خشارت وارد آورده اهل الله بچند قریه هم آتش زده باشد ماند تنها اسیر بردن می دانم که از بنده قبول نخواهد فرمود ولی اینهم تهمت است بهات ایله مشار ایله یک سال تمام است که با اهل خوی میان نه ندارد کسانش هر وقت که از اهل خوی در خارج شهر بدستان می افتند مثل ترکان غفلتاً مکررته می بردند دیگر نمی دانم در آنجا میفرود شدند و یا نگاه میدارند این هم معلوم نیست باقی مطالب همه دروغ است الا مسئله جنای زده آنچه بخود بنده محقق شده که با جنایها شیرو پنج روزی غسل در محراب مانده و کسی از ترس سوارهای ماکو نمی توانست آنها را بشهر بیاورد در آخر باز بد نشد چند نفر از اگراد و ارامنه توسط کرده و از آن مسلمانان دفع نمافت نمودند اینکه می گویند جنایها می کفن مانده بقی خدای دروغ است آن حاجی که محضاً الله سی توب چلوا ری کفنی بمصرف رسانیده از او به پرسید او غرورده و خواهد کفت حال شهر امن است الا اینکه با تصد خانه که آنها بی سرو و سامان مانده و مر دانتان بقول شما قتل رسیده اند مشغول تنزیه داری بوده و خود شان را تسلی خواهد داد و در ختم مسئله شمری بطواطم آمد که یا در مکتب یاد مکرر فام اهل خوی هم می خوانند این است .

(جهان را چه ایستاد دازد خراب بهانه سیا وحش و افرا سیاب) «جمو»

انگلیس با ایران

۱۹۰۶

(۱۷)



تفلیسده مسلمانان دن اجتماعی

بخوانلو میر حیدر زاده

حسن فال کران طهران بریاست میرزا رحیم و مال نویز



آصفی اردوله و قوام الملک و حاکم قوجان

فوزی و کله و قوام الملک و حاکم قوجان

مستقیم